

مطالعه پدیدارشناسانه «موفقیت تحصیلی» از دیدگاه کنشگران: دانش آموزان، والدین و معلمان

ذبیح پیرانی^۱، علی‌رضا فقیهی^۲، سید علی موسوی^۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۶/۲۹

تاریخ وصول: ۱۳۹۷/۰۳/۰۴

چکیده

هنجار غالب ارزیابی نظام آموزشی در کشورمان در سطوح مختلف، برای موفقیت تحصیلی صرفاً نمره است. از این رو، واکاوی درک کنشگران مختلف درگیر از مفهوم موفقیت تحصیلی در کنار این نگاه ضروری است. پژوهش حاضر با روش کیفی پدیدارشناختی در پی فهمی از این مفهوم بود. روش گردآوری اطلاعات و نمونه‌گیری به ترتیب مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته و هدفمند بود و بنابر بر قاعده رایج "اشباع نظری" در روش‌های کیفی، حجم نمونه با دانش آموزان، اولیاء و معلمان تا ۲۳ مصاحبه ادامه یافت. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از الگوی چندمرحله‌ای کولایزی استفاده شد. تمامی داده‌های مرتبط در قالب مقولات فرعی، اصلی/کلان و محوری سازمان‌دهی شدند. بر این اساس ۶۱ مفهوم فرعی، ۵ مقوله اصلی (دانش آموزان)، ۳ مقوله (اولیاء) و ۴ مقوله (معلمان) حاصل شدند. واکاوی تجربه‌های زیسته این کنشگران با تضاد دیدگاه‌ها و برخی شباهت‌ها همراه بودند. «موفقیت در کنکور»، «نمره» و «شغل‌گزینی» از جمله شباهت‌ها و تأکید بر «موفقیت‌های چندگانه»، «جایگاه خانواده»، «تأکید صرف بر نتیجه کنکور» و «الگوی رشته تجربی» نیز حاکی از برخی تفاوت دیدگاه‌ها بودند. تجربه زیسته دانش آموزان در درک موفقیت تحصیلی ناظر بر موفقیت‌های متکثرتر، در نزد اولیاء به موفقیت‌های میانی تر مانند سربلندی خانواده محدود و از نظر معلمین، تقلیل موفقیت تحصیلی به نتیجه محض کنکور خاصه رشته تجربی بود. بنابر مجموع یافته‌ها، می‌توان گفت دیدگاه تقلیل‌گرایی موفقیت تحصیلی در نزد معلمان بیشترین و برای دانش آموزان کمترین بود و مابین این دو، دیدگاه

۱. دانشیار گروه روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک، اراک، ایران

۲. استادیار گروه روان‌شناسی علوم تربیتی دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک

۳. دانشجوی دکتری گروه فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک، اراک، ایران (نویسنده مسئول)

اولیاء به چشم می‌خورد. دیگر اینکه تجارب معلمین با رویه غالب نظام کنکور که صرفاً رتبه ملاک موفقیت تحصیلی است قرابت بیشتری دارد.

واژگان کلیدی: موفقیت تحصیلی، روش پدیدارشناختی، کنشگران، تجارب زیسته.

مقدمه

امروزه تحصیلات و موفقیت در آن نقشی حیاتی در زندگی جوانان دارد و آن‌هایی که توانایی استفاده بهینه از فرصت‌های آموزشی را دارند، احتمال موفقیت بیشتری برای بهره‌گیری از فرصت‌های محدود جامعه را خواهند داشت. موفقیت تحصیلی می‌تواند برای جوانان مشاغل بهتر، عزت‌نفس بیشتر و شهروندان بهتری فراهم کند (ریگیر^۱، ۲۰۱۱). اهمیت درک موفقیت تحصیلی در زندگی روزمره نیز قابل توجه است. نتایج برخی تحقیقات از جمله (بیچ^۲، ۲۰۱۰؛ باربارا و هرناندز^۳، ۲۰۱۴؛ و بوکر^۴ و همکاران، ۲۰۱۸) مؤید این است که نگرش مثبتی بین موفقیت تحصیلی و سلامتی و بروز رفتارهای بهنجار وجود دارد.

موفقیت تحصیلی در هر نگاهی متعامل از خانواده، جامعه و سوابق و فعالیت‌های فرد در مدرسه است (راو کین^۵ و همکاران، ۲۰۱۸). همچنین مفهومی چندبعدی است که دال بر ابعاد آموزشی، روان‌شناختی و جامعه‌شناختی است (آدو^۶، ۲۰۱۲). با این حال، تعریف و تبیین مناسب مفهوم موفقیت تحصیلی به آسانی میسر نیست؛ چراکه این مفهوم بسته به خواسته‌ها و انتظارات افراد و جوامع متفاوت است (ساروار^۷، ۲۰۱۰) و ممکن است نتوان به یک برداشت روشنی از آن دست یافت. اگر موفقیت تحصیلی را مفهومی معادل پیشرفت تحصیلی^۸ بدانیم، موفقیت دانش‌آموزان در گذراندن دروس یک پایه یا دوره مشخص یا توانایی آن‌ها در یادگیری مطالب درسی و به یادآوری حقایق و بهره‌گیری از دانش به صورت شفاهی یا اشکال نوشتاری در شرایط امتحانات را می‌توان تحت این عنوان تعریف و تبیین نمود (کپولوی و همکاران^۹، ۲۰۱۴)؛ اما تعریف موفقیت تحصیلی فراتر از گذراندن نمرات درسی و به عبارتی

1. Regier
2. Basch
3. Barbara & Hernandez
4. Bucker
5. Rivkin
6. Udoh
7. Sarwar
8. Academic Achievement
9. Kpolovie

آمادگی برای کسب مهارت‌های زندگی مانند پذیرش مسئولیت‌های اجتماعی، رضایت از زندگی و ورود به زندگی است (سایت موفقیت تحصیلی، ۲۰۱۸؛ وریسوا و مالا، ۲۰۱۶).

یکی از مفاهیم بسیار نزدیک به موفقیت تحصیلی که می‌تواند تفسیر مناسبی از آن را به ما نشان دهد مفهوم عاملیت تحصیلی است که به دانش‌آموز کمک می‌کند تا در زندگی تحصیلی و فرصت‌های موجود مقایسه و جایگاه واقعی خود را کشف کند و برای رسیدن به آن طرح‌ریزی نماید. عاملیت تحصیلی به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا تصویر یکپارچه و با کفایتی از خود و نقششان در دنیای مدرسه و تحصیل به دست آورند، آن را بپذیرند و رشد دهند. بدیهی است که این نگرش به شکل فزاینده‌ای می‌تواند، در رقم زدن آینده‌ای ممتاز و مطلوب برای زندگی و فعالیت‌های تحصیلی دانش‌آموز مؤثر باشد (نسیمی، ۱۳۹۶).

عاملیت تحصیلی دارای ابعاد است که برخی عبارت‌اند از: ۱- خود تعیین‌گری: دانش‌آموز خود را علت سرنوشت خود بداند؛ ۲- خود قانون‌گذاری: یعنی اینکه دانش‌آموز تمایلات، انگیزه‌ها و انتخاب‌های خود را مورد ارزیابی قرار دهد؛ ۳- معناداری: مهم‌ترین مکانیسمی است که انسان برای کنترل ارادی از آن استفاده می‌کند. نه تنها مدرسه بلکه همه زندگی دانش‌آموز زمانی معنادار می‌شود که خود را هنرمندی فعال در متن داستان زندگی بداند؛ ۴- هدفمندی: بعضی هدف‌ها حس هدفمندی و عاملیت را افزایش می‌دهند و بعضی اهداف موجب کاهش و تخریب این حس می‌شوند؛ ۵- حس صلاحیت: نشان‌دهنده ظرفیت فرد در ارتباط با موفقیت یا دستیابی به نتایج مطلوب و مثبت است؛ ۶- تلاش فعال: یکی از مهم‌ترین عوامل ایجاد تمایز بین دانش‌آموزان عامل و دانش‌آموزان کنشی است. در پاسخ به ناهمخوانی بین واقعیت و ایدئال دانش‌آموز، عامل دست به اقدام می‌زند و فعالانه عمل می‌کند؛ ۷- طرح‌ریزی: طرح‌ریزی حلقه ارتباط بین خواسته‌های دانش‌آموز و واقعیت‌های موجود در محیط آموزشی است و ۸- مسئولیت: اگر دانش‌آموز معتقد باشد که نتایج موفقیت‌آمیز یا مثبت کار در اختیار خود اوست، برای تحقق موفقیت تحصیلی و پیامدهای آن احساس مسئولیت خواهد کرد. دانش‌آموزی که احساس می‌کند قدرت اختیار چندانی در چگونگی فرایند یادگیری ندارد، بدیهی است که احساس مسئولیتی هم نخواهد داشت (نسیمی، ۱۳۹۶).

کلمن^۱ (۱۹۸۸) نیز معتقد بود که والدین و محیط خانواده بزرگ‌ترین عامل آینده کودکان تا خود عامل مدرسه بشمار می‌آیند و نقش والدین و زمینه‌های آن نسبت به مدرسه از قابلیت تأثیرگذاری بیشتری برخوردارند. افزایش تعداد اعضای خانواده می‌تواند به دسترسی کمتر اعضا به منابع برای مثال سرمایه مالی منجر شود (هممرچ و ویسنت^۲، ۲۰۱۸). با این حساب که چون این منابع محدود هستند و کودکانی که از شانس زیاد دسترسی به منابع خانواده خود برخوردار نباشند، با اقبال کمتری برای افزایش مهارت‌های تحصیلی روبه‌رو خواهند شد (سیلوا^۳، ۲۰۱۴؛ چاپل^۴، ۲۰۰۹). مطالعات زیادی ادعاهای کلمن را تأیید می‌کنند که بین موفقیت تحصیلی و تک والد و بعد خانواده رابطه وجود دارد. کلمن و هافر^۵ به مقایسه عملکرد بالای تحصیلی دانش‌آموزان در مدارس آمریکا پرداخته‌اند؛ آنان معتقدند که در مدارس خصوصی کاتولیک به واسطه ایجاد شبکه‌های اجتماعی نزدیک بین اولیاء و مدرسه، زنجیره بین نسلی^۶ ایجاد می‌شود که همین عامل موفقیت تحصیلی این دانش‌آموزان تعبیر می‌شود (کورتن و درانکرز^۷، ۲۰۰۵؛ هالینن و کویچک^۸، ۲۰۱۲). این شکل زنجیره، زمانی که دانش‌آموزان به بخشی از گسترده محیط مدرسه و شبکه اولیاء تبدیل می‌شوند شکل می‌گیرد و دانش‌آموزان می‌توانند از منافع این زنجیره بهره‌برده و از قابلیت‌های آن بهترین استفاده را بکنند (کلمن، ۱۹۸۸: ۱۱۵-۱۱۲).

عمده مطالعات موضوعی ذیل موفقیت تحصیلی با روش کمی انجام شده‌اند و خلأ روش کیفی مشهود است. باری نمونه؛ سحاقی (۱۳۹۷) در تحقیق خود با عنوان رابطه سلامت روان و شادکامی با پیشرفت تحصیلی در دانشجویان جندی‌شاپور اهواز نتیجه می‌گیرد که بین شادکامی و سلامت روانی با موفقیت تحصیلی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. سماوی (۱۳۹۵) در تحقیق خود نتیجه می‌گیرد که متغیرهای انگیزشی و شناختی با موفقیت تحصیلی رابطه معناداری دارند. مداحی (۱۳۸۹) به بررسی رابطه میزان بحران هویت و موفقیت تحصیلی در دانشجویان دانشگاه زنجان پرداخته است. نتایج نشان می‌دهند بین میزان بحران

-
1. Coleman
 2. Hemmereichs & Vicente
 3. Sylva
 4. Chapple
 5. Hoffer
 6. intergenerational closure
 7. Corten & Dronkers
 8. Hallinan & Kubitschek

هویت و موفقیت تحصیلی رابطه معناداری وجود دارد. نوغانی (۱۳۸۱) در رساله دکترای خود به تحلیل جامعه‌شناختی موفقیت در ورود به آموزش عالی دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس پرداخته است. بر اساس یافته‌ها کنترل پیشینه تحصیلی، سرمایه اقتصادی و فرهنگی سهم معناداری در احتمال قبولی و نمره کل داوطلبان ورود به دانشگاه دارند. خلیل^۱ (۲۰۱۷) در پژوهش خود به این نتیجه اشاره کرده است که دختران موفقیت تحصیلی بیشتری نسبت به پسران به واسطه سخت‌کوشی در مطالعه و میل به گرفتن نمرات بالاتر دارند. بنبر و وانگ^۲ (۲۰۱۴) اشاره می‌کنند که نوجوانانی که از لحاظ اجتماعی و اقتصادی در مدرسه مورد بی‌توجهی قرار گرفته‌اند، در دبیرستان معدل کل کمتری داشته و پیشرفت درسی پایین‌تری از خود نشان داده‌اند. واتکینز و هووارد^۳ (۲۰۱۷) نیز در پژوهشی تصریح می‌کنند که مداخله والدین در انجام تکالیف خانه، رابطه مثبت قوی‌تری با میزان پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دارد. فلاین، تاسیر و کولومبه^۴ (۲۰۱۳) با مطالعه عوامل حمایتی و ریسک در موفقیت تحصیلی نتیجه گرفته‌اند جنسیت، سطح مشکلات رفتاری و ویژگی‌های معنوی نوجوان و انتظارات و انگیزه بخشی سرپرستان در طی تحصیل نوجوانان، محکم‌ترین عامل پیش‌بینی‌کننده موفقیت آموزشی بوده است. ماین^۵ (۲۰۱۰) نیز در تحقیق خود نتیجه می‌گیرد که نوع نگرش دانش‌آموزان عاملی تعیین‌کننده در موفقیت تحصیلی آن‌هاست؛ چنانچه این نگرش نسبت به خودش، معلم و جو مدرسه مثبت باشد موجب موفقیت تحصیلی بیشتر می‌شود.

اظهارنظر راجع تعلیم و تربیت و چگونگی موفقیت در آن کاری بسیار دشوار و مناقشه‌انگیز است و هر اظهار نظری بی‌گمان متأثر از خواسته‌ها، آرزوها و آرمان‌های صاحب‌نظران خواهد بود و چه بسا که این نگاه‌های شخصی در بسیاری از موارد مطابق با حقایق واقعیت‌ها و نیازهای جامعه و دانش‌آموزان نباشد. آنچه مسلم است در کنار مبانی هستی‌شناختی، فلسفه، مأموریت‌ها و برنامه‌هایی که نظام ارزشی یا سیاسی یک جامعه برای مفهوم تعلیم و تربیت موفق و کارآمد در نظر دارد، مراجعه به آرای مخاطبان، دست‌اندرکاران، برنامه‌ریزان و در یک کلمه ذینفعان از فرایند تعلیم و تربیت، می‌تواند ما را

1. Khaleel
2. Benner & Wang
- .. Watkins & Howard
4. Flynn, Tessier & Coulombe
5. Maina

به تبیین مناسبی از مفهوم و مصادیق تعلیم و تربیت موفق رهنمون سازد؛ بنابراین، در کنار اهمیت فراوان موفقیت تحصیلی، بررسی تفاوت دیدگاه‌ها نسبت به موفقیت تحصیلی با مراجعه مستقیم به تجارب دین‌فغان، می‌تواند بسیاری از چالش‌های مفهومی موفقیت تحصیلی را کاهش دهد. شیوه «تحقیق پدیدارشناسی»^۱ می‌تواند این تجارب را که از آن به‌عنوان تجارب زیسته^۲ یاد می‌شود به شیوه‌ای منسجم و علمی در اختیار ما قرار دهد. با ذکر مطالب پیشین، هدف اصلی تحقیق حاضر فهم پدیدارشناختی مفهوم موفقیت تحصیلی از نگاه والدین، دانش‌آموزان و معلمان است. همچنین سؤال محوری پژوهش حاضر این است که کنشگران (والدین، دانش‌آموزان و معلمان) در تجربه زیسته خود نسبت به موفقیت تحصیلی چگونه می‌اندیشند؟ به عبارتی در نظام ادراک این دین‌فغان مفهوم موفقیت تحصیلی چگونه است؟

روش

روش پژوهش حاضر کیفی و بر مبنای رویکرد تفسیرگرایی است. یکی از انواع روش‌های کیفی «روش پدیدارشناختی»^۳ است. پدیدارشناختی روشی است که هدف آن رسوخ به ادراک و تجارب افراد از جهانی است که در آن زیست می‌کنند (کافلی^۴، ۲۰۱۱). به‌زعم کراسول وقتی مسئله تحقیق مستلزم فهم عمیقی از تجارب زیسته^۵ گروهی از افراد است؛ آنگاه بکار بردن روش پدیدارشناختی بسیار راهگشاست (کراسول، ۱۹۹۸). برای مطالعه تحقیق پدیدارشناختی راهبردهای پژوهشی متفاوتی وجود دارد. راهبرد مورد استفاده در اینجا «طرح کولایزی»^۶ (۱۹۷۸) است. طرح وی دارای چندین رویه و گام ذیل است: ۱- محقق ابتدا تمام توصیف‌های برگرفته از سوژه را جهت دستیابی به احساسی درباره آن‌ها را می‌خواند؛ ۲- در گام دوم به هر یک از روایت‌ها برمی‌گردد و عبارت‌های مهم را مشخص می‌کند؛ ۳- در گام بعدی معانی مهم فرمول‌بندی می‌شوند؛ و ۴- معانی فرمول‌بندی شده در

-
1. Phenomenological research
 2. lebenswelt
 3. Phenomenology
 4. Kafle
 5. Lived experience
 6. Colaizzi

قالب خوشه‌هایی از تم‌ها یا مقولات کلان‌تر و تحلیلی‌تر سازمان داده می‌شوند (محمدپور، ۱۳۹۲: ۲۸۰).

جامعه آماری پژوهش حاضر، دانش‌آموزان شاغل در مقطع متوسطه دوم، اولیای آن‌ها و معلمان شهرستان دهلران است. در روش کیفی حجم نمونه را با قاعده «اشباع نظری»^۱ در نظر می‌گیرند. این قاعده بیان می‌کند نمونه‌ها و تحلیل داده‌ها تا جایی ادامه پیدا کنند که محقق دیگر نیاز به اطلاعات جدید نداشته باشد (آلدایات و ناوینس^۲، ۲۰۱۸: ۲۴۸-۲۴۷). در این تحقیق اشباع نظری تا ۲۰ مصاحبه شکل گرفت اما برای احتیاط بیشتر مصاحبه‌ها تا ۲۳ مورد ادامه یافتند. روش نمونه‌گیری نیز «هدفمند» است؛ در نمونه‌گیری هدفمند^۳ محقق مختار است نمونه‌ها را طوری برگزیند که مطابق موضوع و اهداف موردنظر وی باشند (کراسول، ۲۰۱۳). در تحقیق حاضر ملاک‌های اصلی نمونه هدفمند عبارت‌اند از: الف) دانش‌آموزان محصل در دوره متوسطه دوم و دانشجویان سال اول تحصیل در دانشگاه، ب) اولیاء و ج) معلمان. در تحقیق پدیدارشناختی مناسب‌ترین استراتژی جمع‌آوری اطلاعات، «مصاحبه‌های عمیق»^۴ است (مارشال و روسمن^۵، ۲۰۱۰). تأکید اصلی در این مصاحبه‌ها توصیف معنای «پدیده»^۶ است (رابین و رابین^۷، ۲۰۱۲). شیوه جمع‌آوری اطلاعات نیز چنین بود که محقق به کمک چند مصاحبه‌کننده در منزل و مدرسه حاضر می‌شدند؛ ابتدا ضمن تشریح هدف پژوهش این اطمینان به آنان داده می‌شد که مصاحبه‌ها صرفاً به قصد پژوهش و فاقد هرگونه استفاده دیگری هستند. سعی می‌شد مصاحبه در فضایی آرام و صمیمانه در حد معمول باشد. زمان مصاحبه به‌طور متوسط ۴۵ دقیقه متناسب با ظرفیت مصاحبه‌شونده و بیان سؤال‌ها و میل مصاحبه‌شونده در نوسان بود. در ضمن پرسیدن سؤالات، نفر همراه مصاحبه‌کننده به نوشتن تمامی اصوات، کلمات و اظهارات اقدام می‌کرد. همچنین در صورت کسب اجازه از مشارکت‌کننده به ضبط برخی مصاحبه‌ها اقدام می‌شد. بلافاصله بعد از اتمام هر مصاحبه تمامی اظهارات در قالب یادداشت‌ها و نوشته‌ها درمی‌آمدند و سپس کدبندی

-
1. Theoretical saturation
 2. Aldiabat & Navenec
 3. Purposive sampling
 4. Profound interview
 5. Marshall & Rossman
 6. phenomena
 7. Rubin & Rubin

صورت می‌گرفت. در جدول ۱ مراحل سه‌گانه پژوهش حاضر با ذکر مثال نشان داده شده است.

موضوع مهم دیگر در روش کیفی بحث «اعتبار^۱» یافته‌هاست. برخی از رایج‌ترین استراتژی‌های اعتبار روش پدیدارشناختی، شامل تأیید از جانب مشارکت‌کنندگان^۲ و توافق بین کدگذاران^۳ است. در همین راستا در تحقیق حاضر ابتدا بعد از تجزیه و تحلیل یافته‌ها توسط محققین، از برخی مشارکت‌کنندگان خواسته شد در مورد مفاهیم و مقولات استخراج شده نظر داده و آن‌ها را واریسی نمایند. همچنین از چندی از افرادی که سابقه کار کیفی داشتند خواسته شد مفاهیم استخراج شده را با کدها مطابقت و آن‌ها را نقد کنند. در کل این اقدامات انجام شد و نتایج مورد رضایت محققان واقع شد.

جدول ۱. مراحل و اقدامات سه‌گانه تحلیل داده‌ها در پژوهش حاضر

مراحل	اقدامات	مثال: سرمایه کلان خانواده
توصیف	خوانش مکرر یادداشت‌ها و متن‌ها - تحلیل مجدد مشاهدات مصاحبه‌کنندگان - واریسی مجدد متن‌های صوتی	روایات و تجارب مهم شرکت‌کنندگان بازخوانی شد و سپس کدگذاری آن.
تحلیل	طبقه‌بندی داده‌های مشابه مفهومی - بازخوانی روایت‌ها و تجارب شرکت‌کنندگان برای فهم پدیده	مقایسه و رفت‌وبرگشت محقق بین کدها - طبقه‌بندی تشابهات و کنار نهادن آن‌ها در قالب خوشه‌های کلان‌تر - مقایسه مدام و رفت‌وبرگشت هم‌زمان. از مقایسه مکرر مقولات متشابه «سرمایه فرهنگی»، «سرمایه اجتماعی»، «سرمایه روانی» و «سرمایه اقتصادی» خوشه کلان «سرمایه کلان خانواده» حاصل شد. قابل توجه است در این مرحله همچنان رفت‌وبرگشت به مقولات ادامه داشت.
تفسیر	خوانش و تفسیر محقق از داده‌ها در مورد اینکه یافته‌ها گویای چیست - توضیح فراتر از بدیهیات موجود - سامان دادن یافته‌های اصلی - تئوریزه کردن یافته‌ها	در مرحله تفسیر، خوشه‌ها و مقولات کلان جهت ایجاد مقوله محوری تفسیر شدند.

1. Validity
2. Corroboration with participants
3. Agreement between coders

یافته‌ها

ابتدا بعد از جداسازی تمامی موارد بی‌ربط به موضوع حاضر، کدبندی مفاهیم آغاز شد. کدبندی جملات به گونه‌ای انجام شد که هیچ کلمه و جمله‌ای نادیده انگاشته نشود. از تعداد ۵۳ مفهوم حاصل شده در مرحله نخست آن‌هایی که عیناً و یا هم اشتراکات زیاد داشتند کنار گذاشته و در نهایت تعداد ۳۲ مفهوم فرعی شناسایی شدند. در ادامه فرایند، مفاهیم فرعی در قالب ۱۳ مضمون اصلی چینش شدند. سرانجام خود مفاهیم اصلی نیز در ۵ دسته مضامین کلان‌تر "سرمایه کلان خانواده"، "الگوواره‌ها"، "موفقیت عینی"، "موفقیت ذهنی" و "موفقیت خود معیار" سازمان‌دهی و در مرحله آخر محوری‌ترین مضمون پژوهش حاضر از دیدگاه دانش آموزان که جنبه تحلیلی و انتزاعی تری دارد و می‌تواند کلیه مقولات پیشین خود را تحلیل نماید شکل گرفت. در جدول ۲، این فرایند آمده است.

جدول ۲. مضامین فرعی و اصلی حاصل از تجارب دانش‌آموزان

مضمون فرعی	مضمون اصلی	مضامین کلان	مضمون محوری
۱. انتظار خانواده	سرمایه فرهنگی		
۲. خانواده خود تصمیم‌ساز			
۳. طبقه اجتماعی خانواده	سرمایه اجتماعی		
۴. حرمت اجتماعی			
۵. جو عاطفی خانواده			
۶. جو انگیزشی خانواده			
۷. جو روانی خانواده	سرمایه روانی	سرمایه کلان خانواده	
۸. جو فیزیکی درون خانواده			
۹. مثبت‌انگاری خانواده			موفقیت سیال متکثر
۱۰. جو حمایت مالی خانواده			
۱۱. تأمین البسه	سرمایه اقتصادی		
۱۲. تأمین وسایل کمک‌آزمون			
۱۳. الگوی معلم ناب	الگوی برون خانواده		
۱۴. الگوی دوستان			
۱۵. الگوی برادر	الگوی درون خانواده	الگوواره‌ها	
۱۶. الگوی خواهر			
۱۷. موفقیت شغل محور	موفقیت کاسبکارانه	موفقیت عینی	

«خب من خدا رو شکر پزشکی قبول شدم واقعاً خانواده برام سرمایه ریزی کردند از خرج تا آرامش ...، باید بگم خانواده‌ام خیلی بم کمک کردند چونکه جوی آرام و بدون استرس برام فراهم کردند تا بتونم موفق بشم. به نظرم موفقیت یعنی اینکه خانوادت اول موفق باشن. (عباس، دانشجوی سال اول پزشکی)».

ب) الگوواره‌ها: یکی دیگر از مضامین مهم در فهم موفقیت تحصیلی «الگوواره‌ها» بود. این مفهوم خود شامل دو الگوی "برون خانواده" و "درون خانواده" است. در پژوهش حاضر برخی مشارکت کنندگان به جایگاه الگوهای موفق خود در تبیین موفقیت تحصیلی و زندگی تحصیلی خود اشاره کرده‌اند. بر اساس اظهارات ذیل:

«معلم خیلی در موفقیتیم تأثیر داشت هیچ کس مثل معلم واسم مهم نبود به خاطر اون و علاقه‌ای که بش داشتم تمام تلاش خودم کردم تا بتونم هم موفق بشم و هم مثل خانم معلم معلم بشم ... آرزو داشتم روزی در دفتر مدرسه کنارش باشم خدا رو شکر ارزوم تحقق پیدا کرد چون موفق شدم دبیری قبول بشم. (نازی سال دوم دانشگاه فرهنگیان)». «توی خانواده ما هم دوتا خواهرم پرستار هستند و هم هر سه برادرم شاغل دولتی هستند. با خودم گفتم آگه من هم مثل اونا در تحصیلاتم موفق نشم خیلی سرزنش می‌خورم از خانواده خودممون و حتی فامیل‌ها بگن عقب مانده خانواده تون فقط تویی... دیگه به خاطر این موضوع که من هم مثل بقیه اعضای خانواده بتونم کاره خوبی بشم تلاش می‌کنم. موفقیت برام مهمه تا مثل اونا بشم. آگه بتونم شغلی خوب پیدا کنم موفق شدم مثل خانواده. (علی، پایه یازدهم انسانی)».

اظهارات و روایات مشارکت کنندگان بر این امر صحنه می‌گذارد که داشتن الگو به واسطه اهمیت و شخصیت کاریزماتیک آنان می‌تواند در موفقیت و نوع نگاه به آن مؤثر باشد.

ج) موفقیت عینی: مقوله کلان دیگر کشف شده، «موفقیت عینی» است که خود حاصل مقوله‌های خردتر «موفقیت کاسبکارانه» و «یقه سفیدی» است. موفقیت کاسبکارانه دلالت بر مشاغلی مانند مشاغل بازاری و شغل محور و موفقیت یقه سفیدی به مشاغل مختلف دولتی اشاره دارد. بنابر اظهارات فراوان مشارکت کنندگان این مقوله جایگاه بالایی در نگاه به موفقیت را به خود اختصاص داده است. بنابر اظهارات زیر:

«موفقیت واسه من آینه بتونم وارد بازار کار بشم بتونم برای خودم کار و کاسبی دست و پا کنم بتونم در بازار نقشی داشته باشم و درآمد خوبی از آن کسب کنم. (پیمان پایه دوازدهم، رشته تجربی)». «موفقیت زمانی برام حاصل میشه بتونم شغل دولتی داشته باشم. چون که در آمد مشخصی داره منظورم نه اینکه درآمدمش زیاده به خاطر اینکه میدونی هر ماه مقدار درامدی داری برایش برنامه ریزی کنی. (مراد دانش آموز پایه یازدهم حسابداری)». «همچنین نرگس فارغ التحصیل دانشگاه معتقد است که موفقیت برای اون زمانی تجربه شد که تونست با آزمون‌های استخدامی کارمند یک اداره بشه (نرگس، فوق دیپلم، کارمند)». مجموع روایات این مشارکت کنندگان نشان می‌دهد که تصدی مشاغل گوناگون دولتی و یا ورود به بازار کار، نوعی موفقیت است که در برخورد با آن مواجهه بوده‌اند؛ بنابراین می‌توان گفت موفقیت تجربه شده که صبغه عینی موفقیت است برای این مشارکت کنندگان حائز اهمیت است.

(د) موفقیت ذهنی: مفهوم کلان دیگر که در تقابل با موفقیت عینی کشف شده قرار دارد "موفقیت ذهنی" است که مشتمل بر موفقیت‌های «شناخت گرایانه»، «اجتماع پسند» و «آمرانه» است. در اظهارات مصاحبه شوندگان موفقیت‌های شناخت گرایانه حول دانستن و آگاهی‌های مختلف، موفقیت‌های اجتماع پسند ناظر بر سودمندی و خدمت به جامعه و موفقیت‌های آمرانه نیز بر موقعیت‌هایی که در آینده ایجاد شوند تأکید دارند. اظهارات مصاحبه شوندگان زیر به خوبی تأکیدات این نوع موفقیت‌ها را نشان می‌دهند:

«کریم معتقد است موفقیت زمانی برایش شکل گرفته که توانسته است به مدد آموزش‌های فنی و حرفه‌ای توانمند شود و توانسته به شهر خود خدمت کند! (کریم، فارغ التحصیل دانشگاه) یا ناصر معتقد است زمانی حس موفقیت برایش تجربه شده که توانسته است به مدد مدرک دانشگاهی که گرفته چند موقعیت کاری مرتبط با رشته تحصیلی‌اش برایش فراهم بشود. (ناصر فارغ التحصیل کارشناسی مهندسی صنایع). سعید نیز معتقد بود که موفقیت تحصیلی برای وی زمانی رقم خواهد خورد که او بتونه پزشکی قبول بشه در آینده و در این راستا حس خوبی داره که میتونه موفق بشه. (سعید پایه دهم تجربی)».

۱. توانمندی نام برده شده کسب آموزش‌های لازم در کلاس‌های فنی و حرفه‌ای، نجات مصدم و آسیب دیدگان بود.

بنابر بر باورهای مشارکت‌کنندگان موفقیت ذهنی که در قالب‌های سه‌گانه فوق‌الذکر بیان شدند گویای موفقیت‌هایی فراتر از موفقیت عینی می‌باشند چرا که مضمون اصلی این موفقیت‌ها در باورها و آرمان‌های این افراد جای دارد.

ه) نمره اطمینان بخش فشار آفرین: مقوله کلان دیگر "نمره اطمینان بخش فشار آفرین" است. این مقوله بر کارکرد دوگانه و متناقض دلالت دارد. از یک طرف بر نقش نمره و جایگاه آن در موفقیت تحصیلی اشاره دارد و از طرفی چالش‌انگیز و استرس‌زاست. اظهارات مشارکت‌کننده‌های زیر حاکی از کارکرد نخست نمره می‌باشد:

«نمره درسی یک انرژی مثبت و حس و حال خوبی بهت میده. مثلاً آگه بیست بگیری یعنی تو توانیشو داری، ولی آگه نمره کمی بگیری، کمی خودت رو حیت نسبت به اون چیز خراب میشه، آگه توی تحصیل نمره خوبی بگیری خیلی توی تحصیل کمکت کنه، مثلاً در دانشگاه نیز کمکت می‌کنه. (دانش آموز پایه دهم)».

یا در مورد نقش نمره شکوه معتقد است:

«نمره درسته مهم هست ولی واقعاً دانش‌آموز را در شرایط سختی قرار میده... استرس زیادی بت وارد میکنه میگی آگه نمره کم بگیرم از همکلاسی تا معلم و خانواده چی که نمیکن... همیشه گفت همه چیز نمره هست نمره تأثیر داره چون امتحان داریم ولی توانایی‌های دیگه که آدم داره همیشه با نمره محکشون زد مثلاً من میتونم قالبیافی خوب انجام بدم ولی ممکنه امتحانش ازم بگیرن نتونم خوب جواب بدم. (شکوه، پایه دوازدهم انسانی)».

و) موفقیت خود معیار: مقوله دیگر "موفقیت خود معیار" است. منظور از آن این است که دانش‌آموز پایه و اساس موفقیت خودش را با خود در مقام مقایسه قرار می‌دهد نه با دیگران. این مقوله مشتمل بر «من خودم» و «خویشتن باوری» است. مصاحبه‌شوندگان معتقد بودند نوعی از موفقیت این هست آدم خودش را با هویت خودش مقایسه کند نه با هویت دیگران. برای تشریح این عقیده اظهار حسین می‌تواند نشان دهد که موفقیت تحصیلی برای او چگونه است و ملاک آن نیز توانایی‌های خودش باشد. حسین اظهار داشت:

«خودم باید شخصیت خودم رو جووری شکل بدم که من وقتی میخوام تو تحصیل موفق بشم باید بخش زیادی از تمرکز رو توی درس خوندن بذارم و بدونم که میتونم آینده بهتری با درس خوندن داشته باشم. به نوعی زمانی که من به موفقیت فکر کنم به انگیزه‌ای باشه برای دوباره ادامه دادن و تلاش کردن برای موفقیت تحصیلی. یک نکته مهمی که وجود داره

خودم رو با خودم مقایسه کنم. مهم‌ترین اصل آینده که ما با خودمون رقابت کنیم و سعی کنیم هر روز از روز قبلمون بهتر باشیم و اینجوری که ما میتونیم به موفقیت تحصیلی دست پیدا کنیم (حسین پایه دوازدهم معماری)».

بنابراین موفقیت خود ملاک، در روایات و مضامین مشارکت‌کنندگان نشان می‌دهد بعد مهم موفقیت این است که موفقیت، مبتنی بر توانمندی‌ها و داشته‌های شخص باشد نه با داشته‌های دیگران مقایسه شود.

جدول ۳. مقولات فرعی، اصلی و محوری حاصل از درک موفقیت تحصیلی از نظر خانواده

مضمون محوری	مضامین کلان	مضامین اصلی	مضامین فرعی
موفقیت خانواده محور	چالش‌های شغلی	فراز و فرود شغلی	۱. تعیین آینده شغلی
			۲. تأمین شغل
			۳. ترجیح شغل
			۴. طبقه شغلی
	مشاغل اداری	حرمات اجتماعی خانواده	۵. موفقیت فقرپسند
			۶. تثبیت اعتبار خانواده
			۷. شان و طبقه اجتماعی
	هویت خانوادگی	فضاوت اجتماعی	۸. تطبیق انتظارات
			۹. سرزنش اجتماعی
			۱۰. قضاوت دیگران
	موفقیت خانوادگی	دائمه کنکوری	۱۱. تشویق خویشان
			۱۲. اهمیت موفقیت در کنکور
			۱۳. نقطه موفقیت
			۱۴. گسترده موفقیت
			۱۵. مصادیق موفقیت تحصیلی
			۱۶. نمره محوری
	دائمه نمره‌ای	دائمه نمره‌ای	۱۷. کسب نمره عالی
			۱۸. تعیین‌کنندگی نمره

بر اساس جدول ۳، در درک مفهوم موفقیت تحصیلی در نزد خانواده، ۶ مقوله اصلی حاصل شد که خود در ۳ مقوله کلان‌تر سازماندهی شدند و مقوله محوری نیز مفهوم "موفقیت خانواده محور" حاصل شد.

الف) فراز و فرود شغلی: این مقوله کلان ناظر بر دو مقوله «چالش‌های اداری» و «مشاغل اداری» است. مصاحبه‌کنندگان به شکل‌های مختلف در ذیل درک موفقیت تحصیلی به آن اشاره کردند. بر اساس اظهارات زیر می‌توان به این موضوع دست یافت که اهمیت آینده فرزند و نیز توجه بیشتر به مشاغل دولتی حائز اهمیت بیشتری بوده است:

«انتظار دارم که فرزندم خیلی خوب درس بخونه. چون خیلی برام مهمه چون درس خوندنش آیندش رو رقم می‌زنه. الان شغل آنچنانی تو جامعه نیست و تمام جامعه بیکارن. میتونه درس بخونه و موفق باشه و در آینده به جایی برسه از طریق این درس خوندن. دوسدارم درس بخونه به خاطر دغدغه‌های شغلی» (اولیا، خانم ۴۲ ساله). «با توجه به اینکه آینده زندگی اون (پسرم) با توجه به درس و تحصیلش رقم می‌خوره برای ما اهمیت زیادی داره که هم رشته خوب در دانشگاه پذیرفته شه که بتونه هم برای خودش مطلوب باشه و هم برای آیندش که از نظر شغلی تضمین شده باشه کارش و در کل بتونه شغلی دولتی که خیالمون راحت باشه به دست بیاره (اولیای دانش‌آموز پایه یازدهم، آقا ۴۸ ساله)».

ب) هویت خانوادگی: یکی دیگر از مقولات کشف شده "هویت خانوادگی" است. هویت خانوادگی شامل دو مقوله «حرمت اجتماعی خانواده» و «قضاوت دیگران» است. در مصاحبه‌های اولیاء این نکته مشهود بود. برای خانواده موفقیت در کنکور بسیار مهم تلقی می‌شد و از بار معنایی اجتماعی برخوردار بود؛ زیرا صورت موفق آن با تشویق و افتخار اجتماعی و صورت ناموفق آن با سرزنش فامیل‌ها و بستگان همراه بود و تقریباً به شکل‌های گوناگونی به آن اشاره می‌کردند. سعید اولیاء دانش‌آموز پایه دوازدهم در گفته‌های خود به خوبی به ابعاد مختلف آن اشاره کرده است و معتقد است:

«منم برام مهمه که این بچم در خانوادم که بگن این خانواده فرهنگیه، کسیکه بچش به نقطه‌ای برسه، از نظر تحصیلات به جایی برسه که بگن از خانواده آیه که از نظر فرهنگی پیشرفت کرده، نابغه آیه این بچه، باهوشه و پدر و مادرش باهاش تلاش کردن، خب این برای خانوادش خوبه و من به فرزندم امیدوارم برای حفظشان و آبروی خانواده. بچه‌هایی دیدم که در تحصیل موفق نبودن، گفتن که خانواده و پدر و مادر باهاشون تلاش نکردن، زحمت

نکشیدن و اهمیت ندادن و شان و آبروی خانوادشون رو تحت تأثیر قرار دادن و گفتن که پدر و مادر بیسواد بودن و جایگاه اجتماعیشون پائین آوردن (سعید اولیای دانش آموز پایه دهم تجربی، ۵۳ ساله)».

ج) منش رتبه‌ای: "منش رتبه‌ای" حاکی از دو مقوله ذاتقه نمره و ذاتقه کنکور است. در کل، هر دوی این مقولات بر میل رتبه چه در دوران مدرسه و چه کنکور دلالت دارند. در بیشتر مصاحبه‌ها، اولیاء بر نمره خوب فرزند خود تأکید داشتند. یکی از اولیای دانش آموزان معتقد بود:

«نمره به نظرم خیلی خیلی مهمه. چون یاد گرفته که نمره میگیره ... وقتی تو بری سر کلاس هم یاد نگیری مطمئن باش که جواب نمیدی و نمره هم نمی‌گیری. به نظرم نمره برای تعیین رتبه خوب کنکور مهمه. مطمئن باش دانش آموزی که نمره خوب نمیگیره کنکور هم هیچی ازش بر نیامد. (اولیا، آقا، ۴۷ ساله)». یا اولیای دیگری معتقد است با توجه به تأثیر معدل در کنکور واسه موفقیت نمره خیلی مهم ترش شده تازه به نظر من بچه‌ای که نمره عالی توی درسها میگیره این خود موفقیتی بزرگ هست حتماً هم کنکور اینطور میشه که موفق بشه (اولیای دانش آموز پایه یازدهم ریاضی، خانم، ۵۶ ساله).

مقوله محوری حاصل از کدبندی مصاحبه‌های اولیاء "موفقیت خانواده محور" است؛ زیرا سه مقوله کلان را به خوبی پوشش می‌دهد و توان تحلیل آنها را دارد. هر سه مقوله کلان کشف شده مربوط به اولویت‌های (خواسته‌ها- تمایلات- ذائقه‌ها و نگرانی‌ها و دلواپسی) آینده خانواده نسبت به دانش آموز است.

جدول ۴. استخراج مضامین فرعی، اصلی و محوری موفقیت تحصیلی از دیدگاه معلمین

مضمون محوری	مضامین اصلی	مضامین فرعی
		۱. رشته قبولی
	بعد گزینشی	۲. کسب رتبه شاخص کنکور
		۳. اولویت رشته تجربی
		۴. تلاش مستمر درس خواندن
کنکور تمام بخش	بعد زمینه‌ای	۵. تلاش مستمر در کلاس تست
		۶. شرکت در کلاس خصوصی
		۷. عملکرد کنکور
	بعد عملکردی	۸. نتیجه‌گرایی
	بعد کمی	۹. نظام ارزشیابی تعیین کننده

۱۰. نمره محوری

۱۱. ارجحیت معیار سنجش

حاصل کدبندی تجارب معلمین از موفقیت تحصیلی، مقوله محوری "کنکور تمام بخش" بود. این مقوله حاصل چهار مقوله پیشین خود است که هر کدام از آنها جزیی از این مقوله محوری بشمار می آیند. "بعد گزینشی" نشان دهنده نوع رشته قبولی، کسب رتبه و اولویت رشته تجربی است. در روایات معلمین نگاه ویژه‌ای برای رشته تجربی نسبت به سایر رشته‌ها دیده شد. با توجه به وضعیت کنونی حاکم بر جامعه که اهمیت رشته تجربی به خاطر سیاست‌های گذشته بیش از حد شده و خیل داوطلبین کنکور نیز از همین گروه هستند؛ به نظر می آید نوع نگاه معلمین معلول این سیاست یا خود مروج و علت آن باشد. «بعد زمینه‌ای» نیز بر وجوه فردی کنکور از جمله تلاش و تکاپوی شرکت در کلاس‌های خصوصی می‌باشد. «بعد عملکردی» نیز بر نتیجه و عملکردی که در کنکور رقم می‌خورد و «بعد کمی» نیز بر اهمیت نظام نمره در مدرسه تأکید دارد. اظهارات زیر به خوبی ابعاد تشریح شده را نشان می‌دهند:

«من الان ۲۰ سال تدریس می‌کنم مدام به دانش‌آموزان میگم برای موفق شدن باید به رشته تجربی برید و حتماً و خاصه پزشکی تلاش کنید [بعد گزینشی] (معلم، مرد، ۳۹ ساله) معلم دیگری معتقد بود به نظرم دانش‌آموزی که این همه سال برایش هزینه شده جز موفقیتش در نتیجه‌ای که از کنکور می‌گیره در جای دیگه نیست [بعد عملکردی] (معلم خانم، ۳۲ ساله) راوی دیگه معتقد بود دانش‌آموزان در مدرسه به خصوص پایه دوازدهم باید نمره رو در اولویت بذارن تا موفق بشن [بعد کمی] (معلم، ۴۸ ساله) همچنین معلم دیگری معتقد بود الان فقط رشته تجربی بازار داره بقیه رشته‌ها الف هستند هر کی می‌خواه موفق بشه رشته تجربی معیاری برای موفق شدن هستش [بعد گزینشی] (معلم، ۴۰ ساله)».

جدول ۵. جمع‌بندی حاصل از کدبندی (دانش‌آموزان، خانواده و معلمین) شباهت‌ها و تفاوت‌ها

مقولات کلان/ اصلی	مقوله محوری	شباهت‌ها	تفاوت‌ها
۱. سرمایه کلان خانواده			
۲. الگوواره‌ها			موفقیت‌های چندگانه و
۳. موفقیت عینی			نه جزئی
۴. موفقیت ذهنی	موفقیت سیال متکثر	تأکید بر جایگاه	تأکید بر خانواده
۵. نمره اطمینان بخش فشار آفرین		خانواده	تأکید بر موفقیت کلان
۶. موفقیت خود معیار		شغل‌گزینی	
فراز و فرود شغلی	موفقیت تحصیلی		تقدم جایگاه خانواده بر فرد
هویت خانوادگی	خانواده محور		تأکید بر موفقیت میانی
منش رتبه‌ایی			
بعد‌گزینشی		موفقیت در کنکور	تأکید بر کنکور صرف
بعد زمینه‌ای	کنکور تمام بخش	میل به کسب نمره و	تأکید بر موفقیت خرد
بعد عملکردی		معدل	جزئی
بعد کمی			

بر اساس جدول ۵، می‌توان شباهت‌های دو گروه دانش‌آموزان و خانواده را در درک موفقیت تحصیلی، تأکید بر جایگاه خانواده و شغل‌گزینی دانست و سپس نکته مشترک بین سه گروه نیز تأکید بر موفقیت در کنکور، میل به کسب نمره و معدل برشمرد. در رابطه با تفاوت‌ها نیز گروه دانش‌آموزان بر موفقیتی فراتر از کنکور تأکید داشته‌اند. به عبارتی موفقیت‌های چندی در نزد آنان (برای مثال موفقیت در کنکور، موفقیت در راستای سربلندی خانواده و موفقیت فردی) مشاهده می‌شود. تقدم جایگاه خانواده ناظر بر درک خانواده‌ها از موفقیت تحصیلی است. به عبارتی اولیاء موفقیت تحصیلی را در چگونگی سربلندی و حفظ اعتبار خانواده توسط دانش‌آموز می‌دانند و در گروه معلمین این تفاوت‌ها بارزتر می‌شود چراکه این گروه بر موفقیت در کنکور و نوعی موفقیت خرد تأکید داشته‌اند. به‌طور خلاصه می‌توان گفت دانش‌آموزان بر موفقیت فراتر از کنکور، اولیاء بر موفقیت میانی‌تر (جایگاه خانواده و کسب شغل) و معلمین بر موفقیت ناظر بر نتیجه کنکور تأکید داشته‌اند.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف اصلی پژوهش کیفی حاضر، پرداختن به فهم و تجربه کنشگران (دانش‌آموزان، اولیاء و معلمین) از موفقیت تحصیلی بود. حاصل یافته‌ها چنین بود که برای دانش‌آموزان ۶ مقوله اصلی (سرمایه کلان خانواده، الگوواره‌ها، موفقیت عینی، موفقیت ذهنی، نمره اطمینان‌بخش فشار آفرین و موفقیت خود معیار) برای اولیاء ۳ مقوله (فراز و فرود شغلی، هویت خانوادگی و منش رتبه‌ای) و برای معلمین نیز ۴ مقوله (بعد گزینشی، بعد زمینه‌ای، بعد عملکردی و بعد کمی) در درک موفقیت تحصیلی شناسایی شدند. همچنین مقوله محوری حاصل از سه گروه مصاحبه‌شونده به ترتیب "موفقیت سیال متکثر"، "موفقیت خانواده محور" و "موفقیت کنکور محور" بودند. یافته‌های به‌دست‌آمده حاکی از برخی تفاوت‌ها و شباهت‌هاست. یافته‌ها نشان دادند که در هر سه گروه مصاحبه‌شونده تأکید بر موفقیت در کنکور اگرچه با اختلافاتی وجود دارد؛ نزد دانش‌آموزان این اهمیت کمتر، برای خانواده بیشتر و در نزد معلمین بیش‌ترین بود. شباهت دیگر جایگاه نمره و کسب آن بود. همچنین بین دانش‌آموزان و اولیاء، جایگاه و منزلت خانواده و شغل‌گزینی از مواردی بود که در تبیین موفقیت تحصیلی مورد تأکید بود، اما در گروه معلمین تنها شباهت تأکید بر موفقیت کنکور و نمره مدرسه بود. به عبارتی دو گروه اولیاء و دانش‌آموزان نسبت به معلمین شباهت بیشتری با هم داشتند و گروه معلمین فقط در تأکید بر موفقیت کنکور و نمره مدرسه هم‌راستا بودند.

از بین سه گروه، ذکر تجارب و روایات دانش‌آموزان ناظر بر موفقیت‌های متکثر و متنوع از موفقیت تحصیلی، (از جمله موفقیت در مهارت‌های اجتماعی، موفقیت در کسب شغل، مهارت در بازار کار و جلوه‌های گوناگون موفقیت و...) بود. این یافته نتیجه تحقیق یورک و همکاران (۲۰۱۸) که اذعان کرده بودند موفقیت تحصیلی پیچیده و متشکل از مهارت‌های زندگی، موفقیت‌های فراتر از نمره و یادگیری محوری است را مورد تأیید قرار می‌دهد. تجربه زیسته دانش‌آموزان از موفقیت تحصیلی نیز بر نظریات و مفهوم عاملیت تحصیلی صحه می‌گذارد. عاملیت تحصیلی فرایندی است که به دانش‌آموز کمک می‌کند تا در زندگی تحصیلی و عمومی خود به خودآگاهی نائل گردد و توانایی‌ها و استعدادها و جایگاه واقعی خود را کشف کند و برای رسیدن به آن طرح‌ریزی نماید. همچنین مفهوم "موفقیت سیال متکثر" در نزد دانش‌آموزان ملازم با نظریه سرمایه فرهنگی است. این نظریه تأکید می‌کند منابع و وجوه سه‌گانه سرمایه خانواده یعنی سرمایه فرهنگی تجسم یافته، عینی و نهادینه، نقشی

اساسی در آمال و آرزوهای دانش‌آموزان ایفاء می‌کند؛ آنان را نسبت به توانمندی‌های خود آگاه ساخته، فرهنگ مسلط را می‌آموزند و به‌طور کل بیشتر از همتایان خود که فاقد این سرمایه‌ها هستند، آماده پیشرفت در زندگی هستند (بورديو^۱، ۱۹۸۶). دیگر بر اساس این نظریه و دیدگاه بورديو چهار نوع سرمایه (اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نمادین) وجود دارد. در اختیارگیری هر کدام یا همه آنان می‌تواند به دانش‌آموزان این اطمینان را دهد مطابق خانواده خود واجد این سرمایه‌ها در آینده شوند. این یافته با تحقیقات لیندفورس و همکاران^۲ (۲۰۱۷)؛ هوانگ^۳ و همکاران (۲۰۱۵)؛ لورین^۴ و همکاران (۲۰۰۴)؛ ولترز (۱۹۹۸)؛ جانعلیزاده چوب بستی (۱۳۹۰)؛ خانم محترم و همکاران (۱۳۹۵)؛ نوغانی (۱۳۸۱) و بابایی فرد و حیدریان (۱۳۹۳) همسو است.

در تبیین گروه اولیاء، موفقیت‌های میانی‌تر (برای مثال نوع قضاوت دیگران در باب خانواده آنان و به‌طور کل محوریت حفظ آبروی خانواده) عمده‌ترین تجربه اولیاء در باب موفقیت تحصیلی بود. کلمن نیز ادعا کرده بود خود محیط خانواده تا محیط مدرسه و امکانات عامل بسیار نیرومندتری در موفقیت تحصیلی بشمار می‌رود. نظریه کلمن تأکید می‌کند جو خانواده و موفقیت تحصیلی با هم همبسته هستند (بلک، ۱۹۸۱). این یافته با نتایج تحقیقاتی نظیر مک فارلین (۲۰۰۵) و آتش روز و همکاران (۱۳۸۶) همسو است.

در خصوص دیدگاه تقلیل‌گرایانه معلمان از مفهوم موفقیت تحصیلی نیز باید به وضعیت موجود نظام آموزشی کشور اشاره کرد؛ در حال حاضر با توجه به اشتغال افراد زیادی خاصه معلمان در کلاس‌های کنکور؛ بدیهی است معلمان موفقیت تحصیلی را به نتیجه کنکور تقلیل دهند؛ زیرا آنچه در کنکور مهم است رتبه است و کلاس‌های خصوصی و تدریس فقط با جایگاه رتبه مهم شمرده می‌شوند. یافته‌های تحقیق حاضر با تجربه معلمان از موفقیت تحصیلی که بر بعد نتیجه کنکور و نمره تأکید داشتند بیشتر با هنجار حاکم بر نظام تحصیلی کشور مطابق و سازگار است و دیدگاه دانش‌آموزان و اولیاء کمتر چنین است. در این باب می‌توان اذعان کرد معلمان با دانش‌آموزان بیشترین ارتباط را دارند و روند غالب بر نظام آموزش کشور نیز در حال حاضر کنکور است؛ در چنین شرایطی معلمان بیشتر میل به

-
1. Bourdieu
 2. Lindfors & et al.
 3. Huang
 4. Lorraine

حمایت از نظام کنکور را دارند. به عبارتی می‌توان گفت از سازوکارهای موفقیت در کنکور شرکت در کلاس‌های کنکور و کلاس خصوصی است و معلمین در چنین کلاس‌هایی می‌توانند منافع مادی کسب نمایند، لذا موفقیت تحصیلی در نزد آنان، موفقیت صرف در کنکور و نوعی ذهنیت بر خواسته از بازار کنکور است.

پیشنهادها و محدودیت‌ها

۱- به‌عنوان یک پیشنهاد نظری برای محققان آتی، پژوهش حاضر بنابر ماهیت خود محدودیت تعمیم آماری دارد؛ اما می‌توان به توسعه چنین پژوهش‌هایی در نقاط مختلف کشور مبادرت کرد و یافته‌های تحقیقات آتی را با نتایج تحقیق حاضر تطبیق داد.

۲- مطابق یافته‌ها که نشان داده شد معلمین بیشتر بر موفقیت صرف در کنکور نظر دارند؛ در این مورد باید بر روی عقاید معلمین با ارجاع آن‌ها به مبانی تعلیم و تربیت کشور و سند تحول بنیادین کار شود.

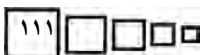
۳- مطابق یافته‌ها که نشان داده شد دانش‌آموزان نگاه متنوع‌تری به موفقیت تحصیلی دارند؛ باید این تنوع را از طریق مدرسه و رسانه‌ها تقویت کرد. برای مثال از طریق نشان دادن و پرداختن به زندگی دانش‌آموزانی که در کنکور اصطلاحاً موفق نبوده‌اند اما اکنون به کارآفرینانی قابل و تولیدکننده در جامعه تبدیل شده‌اند.

۴- با توجه به دیدگاه‌های والدین، وزارت آموزش و پرورش باید برای اولیای دانش‌آموزان متوسطه کارگاه‌هایی راجع گسترده موفقیت و اهمیت استعدادهای فرزندان و به‌کارگیری آن در مسیر صحیح دایر کند.

منابع

- آتش‌روز، بهروز؛ پاکدامن، شهلا و عسگری، علی. (۱۳۸۶). بررسی رابطه و پیش‌بینی پیشرفت تحصیلی از طریق میزان دل‌بستگی به مادر، پدر و همسالان دانش‌آموزان سال اول دبیرستان، *خانواده پژوهی*، ۴ (۱۴)، ۲۰۳-۱۹۳.
- جانعلیزاده چوب‌بستی، حیدر؛ خوش‌فر، غلامرضا و سپهر، مهدی. (۱۳۹۰). سرمایه فرهنگی و موفقیت تحصیلی: ارزیابی مدل‌های نظری، *پژوهش‌نامه مبانی تعلیم و تربیت*، ۱ (۲)،

- جوادی علمی، لایلا. (۱۳۸۹). تدوین مدل موفقیت تحصیلی بر اساس سبک‌های تفکر دانشجویان دانشگاه بجنورد، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علامه، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، استاد راهنما فریبرز درتاج.
- حسینی، سمانه؛ فتح آبادی، جلیل؛ شکری، امید و پاکدامن، شهلا. (۱۳۹۵). موفقیت تحصیلی بر اساس جهت‌گیری هدف و بهزیستی ذهنی دانش‌آموزان و والدین: الگوی مدل‌یابی معادلات ساختاری، پژوهش‌های تربیتی، ۲ (۳۱)، ۱۵۸-۱۳۳.
- سحافی، حکیم. (۱۳۹۷). رابطه سلامت روان و شادکامی با پیشرفت تحصیلی در دانشجویان جندی‌شاپور اهواز، مجله راهبردهای توسعه در آموزش پزشکی، ۵ (۱)، ۱۵-۲۴.
- سماوی، سید عبدالوهاب، ابراهیمی، کلثوم و جاودان، موسی. (۱۳۹۵). بررسی رابطه درگیری‌های تحصیلی، خودکارآمدی و انگیزش تحصیلی با پیشرفت تحصیلی در دانش‌آموزان دبیرستانی شهر بندرعباس. دوفصلنامه راهبردهای شناختی در یادگیری، ۴ (۷)، ۷۱-۹۲.
- قبادی، سپیده. (۱۳۹۳). رابطه خودپنداره، حمایت اجتماعی و انگیزش پیشرفت با خودکارآمدی تحصیلی در دانش‌آموزان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه رازی، دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی، نام استاد راهنما علیرضا رشیدی.
- کرسول، جان دبلیو. (۱۳۹۴). طرح پژوهش: رویکردهای کمی، کیفی و ترکیبی، ترجمه علیرضا کیامنش و مریم دانای طوسی، انتشارات واحد علامه طباطبایی.
- مداحی سمیه؛ کاظمی، محمود؛ صالحی، جواد و رضانی، علی. (۱۳۸۹). بررسی رابطه میزان بحران هویت و موفقیت تحصیلی در دانشجویان دانشگاه زنجان، مجله توسعه آموزش در علوم پزشکی، ۳ (۴)، ۵۷-۴۲.
- محمدپور احمد. (۱۳۹۲). روش تحقیق کیفی ضد روش، جلد ۲، تهران، جامعه‌شناسان.
- نوغانی، محسن. (۱۳۸۱). تحلیل جامعه‌شناختی موفقیت در ورود به آموزش عالی، رساله دکتری تخصصی جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز، استاد راهنما علی محمد حاضری.
- نسیمی، منیره. (۱۳۹۶). عاملیت تحصیلی، ماهنامه تربیت مشاوره ۳ (۱)، ۳۱-۳۴.



- Aldiabat, K. M., & Navenec, L. (2018). Data saturation: The mysterious step in grounded theory method. *The Qualitative Report*, 23(1), 245-261.
- Basch, C. E. (2011). Healthier students are better learners: A missing link in school reforms to close the achievement gap. *Journal of school health*, 81(10), 593-598.
- Benner, A. D., & Wang, Y. (2014). Demographic marginalization, social integration, and adolescents' educational success. *Journal of Youth and Adolescence*, 43(10), 1611-1627.
- Blake, J. (1981). Family size and the quality of children. *Demography*, 18, 421-442. doi:10.2307/2060941.
- Bourdieu, P., & Richardson, J. G. (1986). Handbook of Theory and Research for the Sociology of Education. *The forms of capital*, 241-258.
- Bücker, S., Nuraydin, S., Simonsmeier, B. A., Schneider, M., & Luhmann, M. (2018). Subjective well-being and academic achievement: A meta-analysis. *Journal of Research in Personality*, 74, 83-94.
- Chapple, S. (2009). Child well-being and sole-parent family structure in the OECD.
- Coleman, J. S. (1988). Social capital in the creation of human capital. *American journal of sociology*, 94, S95-S120.
- Creswell, J. W., & Poth, C. N. (2017). *Qualitative inquiry and research design: Choosing among five approaches*. Sage publications.
- DRONKERS, J., & CORTEN, R. (2005). Schoolprestaties van leerlingen uit de lagere strata op openbare, bijzondere en privé scholen: een cross-sectionale test van de Coleman and Hoffer these.
- Flynn, R. J., Tessier, N. G., & Coulombe, D. (2013). Placement, protective and risk factors in the educational success of young people in care: Cross-sectional and longitudinal analyses. *European journal of social work*, 16(1), 70-87.
- Hemmerechts, K., Echeverria Vicente, N. J., Agirdag, O., & Kavadias, D. (2018). Social Capital and Mathematics Achievement of Fourth and Fifth Grade Children in Segregated Primary Schools. *Journal of Education for Students Placed at Risk (JESPAR)*, 23(3), 209-229.
- Hernandez, B. L. (2014). Health, physical activity, and academic achievement: The role of teachers, schools, and communities. *Journal of Physical Education, Recreation and Dance*, 85(3), 8-10.
- Kafle, N. P. (2011). Hermeneutic phenomenological research method simplified. *Bodhi: An interdisciplinary journal*, 5(1), 181-200.
- Khaleel, m., (2014). Female students are more likely to get higher grades than male students, *International Journal of Scientific and Research Publications*, Volume 7, Issue 3, March 2017 378.
- Kpolovie, P. J., Joe, A. I., & Okoto, T. (2014). Academic achievement prediction: Role of interest in learning and attitude towards school. *International journal of humanities social sciences and education*, 1(11), 73-100.
- MAINA, M. J. (2010). Strategies employed by secondary school principals to improve academic performance in Embu West district. *Unpublished master of education thesis. Kenyatta University*.

- Marshall, C., & Rossman, G. B. (2014). *Designing qualitative research*. Sage publications.
- Marshall, C., & Rossman, G. B. (2014). *Designing qualitative research*. Sage publications.
- Regier, J. (2011). Why is Academic Success Important. *Applied Science and Technology Scholarship*.
- Rivkin, S. G., Hanushek, E. A., & Kain, J. F. (2005). Teachers, schools, and academic achievement. *Econometrica*, 73(2), 417-458.
- Rubin, H. J., & Rubin, I. S. (2011). *Qualitative interviewing: The art of hearing data*. Sage.
- Sarwar, M., Bashir, M., & Alam, M. (2010). Study attitude and academic achievement at secondary level in Pakistan. *Journal of College Teaching & Learning*, 7(2), 55-60.
- Sylva, K. (2014). The role of families and pre-school in educational disadvantage. *Oxford Review of Education*, 40(6), 680-695.
- Udoh, A. O. (2012). Learning environment as correlates of chemistry students achievement in secondary schools in Akwa Ibom State of Nigeria. *African Research Review*, 6(3), 208-217.
- Vere ovv, M., & Malv, D. (2016). Attitude toward school and learning and academic achievement of adolescents. In *7th International Conference on Education and Educational Psychology, Published by Future Academy*.
- Watkins, C. S., & Howard, M. O. (2015). Educational success among elementary school children from low socioeconomic status families: A systematic review of research assessing parenting factors. *Journal of Children and Poverty*, 21(1), 17-46.
- Wijnia, L., Loyens, S. M., Derous, E., Koendjie, N. S., & Schmidt, H. G. (2014). Predicting educational success and attrition in problem-based learning: do first impressions count?. *Studies in Higher Education*, 39(6), 967-982.
- Wolters, C. A. (1998). Self-regulated learning and college students' regulation of motivation. *Journal of educational psychology*, 90(2), 224.
- York, T. T., Gibson, C., & Rankin, S. (2015). Defining and Measuring Academic Success. *Practical Assessment, Research & Evaluation*, 20.